

مرجع تشخیص مصادیق تبرج کیست؟

خبرگزاری انتخاب: سردار رادان در پاسخ خبرنگاری که در مورد دلیل تناقض استفاده از پوتین‌های بلند با احکام شرعی پرسیده بود پاسخ داد: «پوتین بر روی شلوار از لحاظ شرعی نوعی تبرج به شمار می‌رود و بر این اساس با توجه به این که تبرج از مصادیق بد پوششی است، با این قبیل موارد نیز برخورد خواهد شد، چراکه برای نمونه قرار گرفتن چکمه بر روی شلوار به دلیل نشان دادن بخشی از برجستگی‌های بدن از مصادیق شرع است و تبرج به حساب می‌آید.»

۱۸ آذر ماه ۱۳۸۶

خبرگزاری انتخاب:

سردار رادان در پاسخ خبرنگاری که در مورد دلیل تناقض استفاده از پوتین‌های بلند با احکام شرعی پرسیده بود پاسخ داد: «پوتین بر روی شلوار از لحاظ شرعی نوعی تبرج به شمار می‌رود و بر این اساس با توجه به این که تبرج از مصادیق بد پوششی است، با این قبیل موارد نیز برخورد خواهد شد، چراکه برای نمونه قرار گرفتن چکمه بر روی شلوار به دلیل نشان دادن بخشی از برجستگی‌های بدن از مصادیق شرع است و تبرج به حساب می‌آید.»

موضع سردار رادان که به عنوان فصل الخطاب عملکرد پرسنل و نیروهای نیروی انتظامی تهران بزرگ بوده و پرسش مکرر یکی از دوستان در مورد تعریف مفهوم تبرج سبب شد تا در این یادداشت با گردآوری برخی از آیات و روایات در مورد آن، ضمن تشریح تبرج این نکته که نیروی انتظامی بعنوان یک مجری قوانین نمی‌تواند مرجع تشخیص مصادیق تبرج باشد متذکر گردم.

زنان به عنوان نیمی از پیکره جامعه نقش بسیار مهمی در ایجاد و گسترش عفت، پاکدامنی و اخلاق در بین جوامع بشری دارند. عفت و حیای زن، که یکی از مهم‌ترین عوامل حفظ و بقای عفت عمومی است، نه تنها در تمام ادیان و مذاهب الهی مورد تأکید قرار گرفته، بلکه عقول و افکار بشری نیز آن را مورد تأیید قرار داده‌اند. از نظر اسلام، اهمیت این موضوع به حدی است که برخی روایات حفظ حیا و عفت را تمام دین می‌دانند.

جلباب و حجاب، که به معنای پوشیدن تمام بدن و زیبایی‌های ظاهری زن در برابر مردان بیگانه است، برای پیش‌گیری و مهار برخی گرایش‌ها و رفتارهای خودنمایانه و وسوسه‌انگیز می‌باشد. این در حالی است که زنان به طور طبیعی دوست دارند در برابر جنس مخالف خودآرایی کنند و زیبایی زنانگی خود را به نمایش بگذارند.

تبرج از مصدر بروج (ظهور و بروز) یعنی زن صورت، مو و زینت‌های خود را نشان دهد این کلمه از واژه برج گرفته شده یعنی همانگاه که برج و باروی یک شهر از دور توجه هر رهگذری را جلب می‌کند فرد به گونه‌ای لباس بپوشد، آرایش کند و رفتار نماید که توجه دیگران را به خود جلب نماید از این رو می‌توان این واژه را «جلب توجه» یا «خود نمایی» معنا نمود. و به عبارتی «تبرج»، جلوه‌گری و دلبری کردن برای تصاحب قلب دیگری است.

یکی از ویژگی‌های مهم زنان، خصیصه تبرج و خودنمایی است که به صورت غریزی و طبیعی در آنان وجود دارد. قرآن در دو آیه از آیات حجاب، از تبرج و خودنمایی زنان صحبت کرده و آن را محدود به محیط خانواده کرده است. در یک جا می‌فرماید: (وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجُ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى) (احزاب: ۳۳) ای زنان (در برابر نامحرم) ظاهر نشوید و خودنمایی نکنید؛ مانند خودنمایی دوران جاهلیت نخستین؛ در آیه دیگر می‌فرماید: (غَيْرَ مُتَّبِرَجَاتٍ بَرِيزَةً) (نور: ۶۰) زنان، (در برابر نامحرم) با زینت‌ها و آرایش‌هایشان خودنمایی نکنند. قرآن در این آیات فقط زنان را از تبرج و خودنمایی و به نمایش گذاشتن جاذبه‌های جنسی خود در برابر نامحرم نهی کرده و از تبرج مردان سخنی نگفته است. از ظاهر این مطلب فهمیده می‌شود که غریزه خودنمایی و تبرج از ویژگی‌های خاص زنان است و در مردان وجود ندارد. به همین دلیل پوشش و حجاب تنها برای زنان واجب شده است.

آیت الله شهید مطهری در کتاب «نظام حقوقی زن در اسلام»، درباره آثار این غریزه و نیز اختصاص آن به زنان می‌گوید: «اما علت اینکه در اسلام دستور پوشش اختصاص به زنان یافته است، این است که میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زنان است. از نظر تصاحب قلب‌ها و دل‌ها، مرد شکار است و زن شکارچی؛ همچنان که از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی. میل زن به خودآرایی از این نوع حس شکارچی‌گری او ناشی می‌شود. در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردان لباس‌های بدن‌نما و آرایش‌های تحریک‌کننده به کار برند. این زن است که به حکم طبیعت خاص خود، می‌خواهد دلبری کند و مرد را دلباخته و در دام علاقه خود اسیر کند، انحراف تبرج و برهنگی از انحراف‌های مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است.»

در روایات نیز از وجود غریزه خودنمایی یا تبرج در زن سخن گفته شده است. برای مثال در کتاب وسائل الشیعه از امیر مومنان علی(ع) نقل شده است که می‌فرماید: «خداوند زنان را از سرشت مردان آفریده، از این رو، تمام همت خود را در جذب مردان و نزدیک شدن به آن‌ها صرف می‌کند.» بنابراین، اصل وجود غریزه خودنمایی در زن مورد تأیید منابع اسلامی است. اما در مورد کارکرد این غریزه در زنان، می‌توان گفت: وجود این غریزه برای متمایل کردن مرد - جنس مذکر - به زن - جنس مؤنث - است تا بدینوسیله، مقدمات ازدواج و زندگی مشترک را بین آنان فراهم کند؛ چنانکه در سایر جانداران نیز این ویژگی در جنس ماده وجود دارد.

درباره غریزه خودنمایی و تبرج، غیر از منابع اسلامی، برخی از دانشمندان نیز مطالب جالبی دارند. ویل دورانت در کتاب «لذات فلسفه» درباره آثار غریزه تبرج زن می‌گوید: «زن میل دارد بیشتر مطلوب باشد، نه طالب، و به همین جهت، در ارج‌گذاری و تقدیر آن جاذبه‌هایی که مایه تشدید میل مرد است، استاد است.» بنابراین، اصل وجود این غریزه و اختصاص آن به زن در بین دانشمندان پذیرفته شده است.

عدم کنترل این غریزه، چه از لحاظ افراط و چه از لحاظ تفریط، برای زن زیانبخش است و سلامتی او را به خطر می‌اندازد. از این‌رو، در دین اسلام برای این غریزه حد و حدود ویژه‌ای تعیین شده است و همان‌گونه که آزادی بی‌حد و حصر آن ممنوع گردیده و برای کنترل آن حجاب واجب شده، بی‌توجهی به آن نیز مذموم شمرده شده است. به همین دلیل، در برخی روایات، آرایش کردن برای زنان یک ضرورت تلقی شده و بی‌توجهی به آن به معنای نادیده گرفتن غریزه خودآرایی، مورد نکوهش قرار گرفته است. در جلد پنجم اصول کافی در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) در مورد ویژگی‌های بهترین زنان نقل شده است که فرمودند: «بهترین زنان شما زنی است که بسیار با محبت باشد، عقیف و پاکدامن باشد، نزد اقوامش عزیز و محترم باشد، با شوهرش متواضع و فروتن باشد، برای او خودآرایی و تبرج داشته باشد و در برابر نامحرم عقیف باشد.» در این حدیث، دقیقاً به همان تبرجی که قرآن آن را برای زن در مقابل نامحرم ممنوع کرده، نسبت به شوهرش سفارش شده است. همچنین در روایت دیگری در اصول کافی آمده است: پیامبر به مردان فرمود: «ناخن‌های خود را کوتاه کنید» و به زنان فرمود: «ناخن‌ها را کوتاه نکنید؛ زیرا شما را زیباتر می‌کند.» حتی آن حضرت از بعضی زنان به خاطر اهمیت ندادن به آرایش و زیبایی، انتقاد کرده است.

یکی از عوامل مهم با نشاط بودن زن، داشتن ظاهری زیبا و دلپسند است که شوهرش را پی‌درپی به وجد آورد و خود نیز از این طریق به وجد آید. در نتیجه، کوشش زن در جذاب بودن و آرایش کردن برای شوهر، ضمن اینکه نیاز طبیعی زن به خودنمایی و تبرج را ارضا می‌کند، وی را از جلوه‌گری و خودنمایی برای مردان نامحرم نیز بی‌نیاز می‌سازد؛ زیرا او برای شوهری خودآرایی کرده است که حقیقتاً به او عشق می‌ورزد و در دوستی‌اش وفادار است. بدین‌سان، هم نیاز غریزی او به آرایش و تجمل اشباع شده و هم از آفات و انحرافات عشق آزاد رهایی یافته و آسیبی به سلامت روانی او وارد نشده است.

همان‌گونه که بی‌توجهی به غریزه خودنمایی و تبرج برای زن زیانبخش است، خودنمایی و تبرج بیش از اندازه و خارج از چهارچوبه حجاب نیز زیانبخش خواهد بود و سلامت روانی زن را به مخاطره می‌اندازد. این مطلب دقیقاً مانند این است که بگوییم: غذا خوردن برای سلامتی ضرورت دارد، اما زیاده‌روی و عدم رعایت قانون غذا خوردن مضر است. در ارضای نیازهای روانی نیز باید جانب اعتدال رعایت شود، زیرا هرگونه زیاده‌روی در آن موجب از دست رفتن انرژی روانی انسان می‌شود و سلامت روانی او را مختل می‌سازد. البته تفاوتی که در ارضای نیازهای روانی، مثل نیاز به خودنمایی و تبرج در زن، با نیازهای جسمانی مثل نیاز به غذا خوردن وجود دارد این است که این‌گونه نیازها سیری‌ناپذیرند و اگر انسان در ارضای آن‌ها حد افراط را در پیش بگیرد، نه تنها نیاز او برطرف نمی‌شود، بلکه روز به روز تشنه‌تر شده، تمام فکر و ذهن او را به خود مشغول می‌کند. در ارضای نیاز به خودآرایی و خودنمایی نیز همین مطلب وجود دارد؛ یعنی اگر زن در توجه به زیبایی ظاهری و خودآرایی افراط کند، کم‌کم به حدی می‌رسد که بیمارگونه به تجمل و آرایش می‌پردازد و هیچ‌گاه احساس ارضا و سیری نمی‌کند.

وقتی یک زن مکشوف و آرایش کرده در بین مردان ظاهر می‌شود، طبعاً عده‌ای خوششان می‌آید و او را مورد تحسین و تکریم (ظاهری) قرار می‌دهند. به همین دلیل، دایم سعی می‌کند وضع ظاهری خود را طوری قرار دهد که بیشتر موردپسند آنها واقع شود. معمولاً این‌گونه زنان و دختران برای اینکه زیباتر شوند، هر روز وقت زیادی را صرف آرایش و تقلید از مدهای جدید می‌نمایند. این روند می‌تواند ناراحتی‌های روانی زیادی برای آنان ایجاد کند؛ زیرا به دلیل اینکه همیشه کارها به دلخواه پیش نمی‌رود، باعث بروز نگرانی‌هایی برای آن‌ها می‌شود. دلیل دیگری که می‌تواند به نگرانی آن‌ها بیفزاید این تصور است که هر لحظه ممکن است رقیبی زیباتر از راه برسد و شکار آن‌ها را بریاید. و سرانجام، دلیل دیگری که باعث ناراحتی و استرس برای آن‌ها می‌شود این است که می‌بینند به مرور زمان، از زیبایی‌هایشان کاسته می‌شود و زنان جوان‌تر و زیباتر جای آن‌ها را می‌گیرند و نقش آن‌ها را در ربودن دل‌ها کمتر می‌کنند. گرچه آن‌ها برای اینکه در این رقابت، ضعف خود را جبران کنند، دست به کارهای گوناگونی می‌زنند: تنوع‌طلبی بیشتر در لباس و آرایش و افراط در جلوه‌گری و خودآرایی؛ ولی نتیجه چندان‌ی برایشان ندارد. تبرج و جلب توجه ممکن است از راه‌های مختلف صورت گیرد، گاهی ممکن است از طریق ویژگی‌های لباس مانند تنگی، کوتاهی یا رنگ آن و گاهی ممکن است از طریق عواملی از قبیل بوی تند عطر، صدای خاص کفش‌ها و... صورت گیرد همان‌گونه که گاهی هم ممکن است از طریق نوع حرکات و رفتار شخص صورت گیرد.

بالاخره باید گفت که تبرج برای محارم و شوهر مستحب و گاه واجب و برای دیگران حرام و مذموم شمرده شده است که در جامعه اسلامی کشورمان در بحث حجاب، قانونگذار تمامی شرایط آن را برشمرده است ولی همچنانکه قانونگذار یک اصل کلی برای تحقق آن شمرده است و لذا تنها در حوزه اختیارات قانونگذار است که قوانین مصوب خویش را تفسیر نماید و مصادیق حجاب و تبرج در جامعه را مشخص سازد و هیچ مجری و نیرویی در مقام اجرا، صلاحیت تفسیر قانون را ندارد که متأسفانه همواره عدم لحاظ آن موجبات تذکر حقوقدانان کشورمان را سبب ساز بوده و در مورد مصادیق تبرج نیز، سردار رویانیان و یا هر فرد دیگر در مقام اجرا بدون حجت قانونی حق ندارند قوانین موضوعه و مصوب مجلس شورای اسلامی را به زعم خویش تفسیر و اجرا نمایند و تشخیص اینکه آیا پوتین بر روی شلوار از لحاظ شرعی نوعی تبرج به شمار می‌رود در صلاحیت ایشان نبوده و نیست.

*** وحید کاظم زاده قاضی جهانی